

سیاست امریکا آزادی گروگانها نیست، انهدام انقلاب ایرانست

صفحه ۲

پیام امام خمینی به فیدل کاسترو

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ تلگرام پشتیبانی فیدل کاسترو رئیس جمهوری کوبا، پیام زیرین را به او انا فرستادند: بسم الله الرحمن الرحیم حضرت آقای فیدل کاسترو رئیس جمهوری کشور دموکراتیک کوبا-هاوانا، تلگرام پشتیبانی آن حضرت از انقلاب عظیم ملت شریف ایران واصل شد. از اظهار همدردی و حمایتی که در این موقع حساس از ملت مظلوم ورنجیده ایران نموده‌اید، متشکریم.

در صفحات بعد

حزب توده ایران از نگاه امپریالیسم

صفحه ۸

با اعلام طرح ۶ ماده‌ای مصوب شورای انقلاب، صف انقلاب را از ضلالت انقلاب در کردستان جدا کنید!

صفحه ۸

سالگرد انقلاب در پرتغال

صفحه ۳

روستائیان مازندران خواستار زمین و زندگی بهتر هستند

صفحه دهقانی - ۵

در صنایع فولاد چه میگذرد؟

صفحه کارگری - ۴

حمله کنندگان به دفاتر و مراکز احزاب و گروههای سیاسی را شناسایی، دستگیر و مجازات کنید

● برخلاف دستور صریح همه مقامات کشور، ضدانقلابیون حمله سراسری خود را به مراکز و دفاتر گروههای سیاسی شدت بخشیده‌اند و متأسفانه همه جاسا مأموران انتظامی با خونسردی بر کار آنها نظاره می‌کنند!

● تهاجم نظامی آمریکا، حضور بیشرمانه نظامیان آمریکا در خاک میهن ما، پرده عظیم دود و دمه را فرو افکند و به وضوح نشان داد که اغتشاش در کشور بسودگست و دستهای پلیدی که به بیانه‌های گوناگون، بی‌دبی در درون خلق جبهه‌های فرعی تازه می‌کشایند، از کدام آستین بدر شده‌اند.

بخش‌رسمی از این اغتشاش، از ماه‌های اول به‌دائمی‌روزی انقلاب، فعالانه و یکپارچه دنبال می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

جنگ برادر کشی در سندج ادامه دارد

(اخبار تا بامداد دوشنبه)

آتش‌بسی که رئیس جمهور بنی‌صدر اعلام کرده بود، از همان آغاز توسط هر دو طرف نقشه و جنگ با کمال تأسف ادامه دارد. کشته و زخمی زیاد است و چون به جبهه جنگ دسترسی نیست، نمی‌توان تعداد دقیق زخمی‌ها و کشته‌ها را اعلام کرد. مردم نگران ادامه جنگ و برادر کشی هستند و می‌خواهند که فوراً آتش‌بس داده شود تا بتوان کشته‌ها و زخمی‌ها را جمع‌آوری کرد.

ارتش در حمله خود به شهر از طریق پادگان، به منزل یکی از اعضای حزب توده ایران هجوم برده و بی‌هیچ دلیلی صاحبخانه زودتر آزاد شوند.

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۲
سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تک‌شماره ۱۵ ریال

وظیفه مبرم انقلابی همه انقلابیون ایران:

● نبرد علیه دسائس گوناگون امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، که بخاطر بازگشت نقشه‌ها دارد

● دفاع از جمهوری اسلامی ایران، که علی‌رغم کاستی‌ها، در راستای ضد امپریالیستی است

تمام وسایل و اراضی تمام راه‌ها دفاع کرد، زیرا این نظام درست ضد امپریالیستی است، در کار کشیدن بندهای اسارت و یارده کردن زنجیر-های وابستگی است.

اینست عمده وظیفه انقلابی راستی‌حقی ندارد آنرا فراموش کند، حق ندارد غیر عمده را عمده کند، حق ندارد در سطح مسائل منفی یا محلی یا فرعی چنان بماند که به عمق رویدادها دست‌تکاملی می‌نبرد و احتمالاً در دام یک فریب یا یک توطئه، که به سود ضد انقلاب تمام‌شود، بیفتد.

کم نیستند که کاستی‌ها یا سیاست‌های غلط و روش‌های نادرست یا کمبودها و زیاده‌روی‌ها، که با مهابت انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک ما نمی‌خوانند، کم نیستند مواردی که گاه جانکاه و دردناک که اگر آنها را بی‌بینی و از زمینه عمومی انقلاب و نبرد با امپریالیسم و دسائس گوناگون آن چشم‌پوشی، کاملاً محقق خواهیم بود که بر افروخته شویم.

اسلامی ایران در این دوران تکامل تاریخی، ضربه‌های هولناک بر منافع ریشه‌ای اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی امپریالیستها وارد ساخته و یک خیزش عظیم در جامعه ما بوجود آورده است.

انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران دارای برد جهانی است. از آن باید مدافعه کرد. از این نظام جدید، یعنی جمهوری اسلامی ایران، با همین شکلی که دارد، با همین کمبودها و کمزوری‌ها که دارد، با همین عناصر و عواملی که برخی یا بسیاری از آنها می‌توانند این یا آن فرد یا نیروی انقلابی را بحق یا ناحق خوش نیايد، باید دفاع کرد، با تمام نیرو و با

دیدگاه بشکاف و این واقعت را به‌بینیم. تحکیم این جمهوری و پیشبرد اهداف انقلاب است که راه بسوی ترقی جامعه را خواهد گشود.

ما باید با چشم باز، بیاد بیدار، با هشدار کار ساز، در نکته اساسی را در این لحظات حساس، که تجاوز نظامی مفسدانه آمریکا در نزدیکی طیس با تمام ریشه‌ها، پیوندها و تارکشی‌های در حساسیت آن باقی‌نگذاشته است، همواره بطور مشخص بیاد داشته باشیم، از چه دفاع می‌کنیم و چگونه دفاع می‌کنیم.

از چه دفاع می‌کنیم:

در این روزهای هجوم گرگ‌های زخم‌بده آمریکا و توسطه‌های جنایتکارانه و نیرنگ‌های شیطان-سفتانه امپریالیسم، دفاع از انقلاب و آزادی‌های ترقیخواهانه و ضد امپریالیستی، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی ایران به‌همین گونه‌که هست، به‌همین شکلی که از انقلاب ما بر اثر علل مختلف عینی و ذهنی ناپییده شده، به‌همین صورتی

تحمیل ضربات ناپیچا و حملات ناسیاست، سر کچه تکرار، علی‌رغم پهن‌نچی‌ها و ترازگی‌ها و وفور عناصر فرعی- همه اینها شایسته یک فرد، یک سازمان، یک نیروی انقلابی است.

و این بی‌بستگی و وظیفه انقلابی دفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران را، همان‌طور که واقعا موجود است، در برابر همه انقلابیون راستین قرار می‌دهد.

چگونه دفاع می‌کنیم:

و اما نکته دوم در این دفاع از جمهوری واقعا موجود اسلامی ایران، آنست که باید علاوه بر دفاع از آن حمایت کنیم.

دسائس امپریالیسم علیه انقلاب یک بندی نیست دفاع‌مهم یک بندی نمی‌تواند باشد. توطئه امپریالیسم در حرف و تبلیغات نیست. دفاع‌مهم باید در عمل و با عمل باشد. ما در برابر دسائس و نقشه‌های امپریالیسم، همه نیروهای صدیق، وفادار به انقلاب و خواستار تحکیم دستاوردهای خلی و خلقی و دموکراتیک آنرا فراموش نمی‌کنیم. از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم، در عمل از آن دفاع کنند، کارگران با کار خود، کار تولیدی و خلاق خود، با تولید بیشتر و نظم آگاهانه، علی‌رغم خسران‌های امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته با آنها و نبرد علیه آنها.

دهقانان با فعالیت هر چه بیشتر و بدست آوردن محصول هر چه فراوانتر، علی‌رغم تحریم و محاصره امپریالیستها و زمینداران بزرگ کارکنان آنها و در مبارزه علیه آنها، دانش‌آموزان و دانشجویان رویدادهای ایران - صفحه ۶

بسمه تعالی

بیانیه شماره ۴ کمیته برگزاری جشن اول ماه مه فرخنده باد جشن اول ماه مه

باتشکر از تعداد کثیری از سندیکارها و شوراهای کارگری که دعوت ما را پذیرفته‌وش شرکت خود را در برگزاری جشن اول ماه مه به کمیته برگزاری اطلاع داده‌اند، ما با وجود برخی از ناهماهنگی‌ها، امیدواریم که در یک کارگرانه، و زحمتکشان، بویژه در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم آمریکا با حمایت متحدانش جورانه پس‌زمین ما تهاجم می‌کند، دعوت خود را به اتحاد تکرار می‌کنیم و امید آن داریم که با همکاری سایر برادران کارگری، روز اول ماه مه را به روز همبستگی هر چه وسیعتر و حرکت عظیم و یکپارچه کارگران تبدیل سازیم.

بموجب اجازت نامه رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، راه‌پیمایی سندیکارها و شوراهای کارگران و کارکنان تهران و حومه، از ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه یازده اردیبهشت (اول ماه مه) از میدان امام خمینی (سپه سابق) شروع و به لانه جاسوسی ختم خواهد شد.

بر فراز باد اول ماه مه، روز همبستگی و جشن بین‌المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بر رهبری امام خمینی زنده باد طبقه کارگر، پیشاهنگ جامعه انقلابی ایران!

کمیته برگزاری جشن اول ماه مه منتخب سندیکارها و شوراهای کارگران و کارکنان تهران و حومه

ساعت گردهمایی: ۸ صبح روز پنجشنبه ۱۱/۲/۵۹ در میدان امام خمینی (سپه سابق)

در یک جمله، دفاع از جمهوری اسلامی ایران، دفاع در برابر دسائس و نیرنگ‌های امپریالیستها، دفاع در برابر نقشه‌های گوناگون مستقیم و غیرمستقیم ضد انقلاب.

کشور ما زمانی را می‌گذراند که سال‌ها در ساعت‌ها فشرده شده‌اند. گذشت هر روز و گذار هر روز، و در قی در تاریخ کشور ما است. وظیفه هر فرد انقلابی، هر سازمان انقلابی، هر نیروی انقلابی آنست که چنان عمل کند تا این تاریخ در جهت پیشرفت اجتماعی و دستاوردهای خلق نوشته شود و هر سطر آن به‌شایسته ضرب‌های به امپریالیسم ثبت شود. وظیفه حیاتی ما آنست که چنان عمل کنیم تا ورق تازه این تاریخ ورق شکست انقلاب، شکست جمهوری اسلامی ایران نباشد. وای اگر کسی گمان برده که این شکست راه‌گشای ترقی است. شکست جمهوری اسلامی ایران، یعنی پیروزی امپریالیسم. باید

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

سیاست آمریکا آزادی گروگانها نیست، انهدام انقلاب ایرانست

آقای ابوالحسن بنی‌سدر - رئیس‌جمهور اظهار داشته است: سیاست آمریکا آزادی گروگانها نیست، سیاست آمریکا انهدام انقلاب ایران است.

این سخن بیان واقعیت است. رئیس‌جمهور اظهار داشته است:

با توجه به غلامی که پیش و بعد از انقلاب از عملکرد سیاست آمریکا در ایران قتیب کرده‌ایم، برای من محرز است که سیاست آمریکا در ایران در جهت اعاده وضع سابق میسر می‌کند و حوادث را نباید بطور پراکنده دید. باید ربط آنها را با هم یافت و وقتی ربط آنها را با هم می‌بینیم (ببینیم) به اینکه امور از جهت دولت آمریکا در جبهه بایسیر بکند که بقول آقای کارتر به اصطلاح قدرت مرکزی یانجامد، یعنی حاکمیت دولت از بین برود و زمینه پیدایش رژیم مطلوب سیاست آمریکا فراهم شود. این اظهارات رئیس‌جمهور کاملاً درست است.

در تابستان سال ۱۹۷۶، یعنی هنوز دوسال و نیم قبل از اینکه دولت آمریکا با «بحران» انقلاب در ایران مواجه شود، گزارش‌های از طرف کمیسیون امور خارجی سنای آمریکا در ۵۲ برگ تهیه و به دولت نیکسون تسلیم شد. در این گزارش ابراز نگرانی شده بود که ممکن است وضعی در ایران پیش آید و بحرانی در ایران درگیرد، که این کشور را از زیر کنترل آمریکا خارج سازد. در این گزارش توصیه شده بود که طرح‌های گوناگونی برای مواجهه با بحران احتمالی ایران آماده گردد، تا این بحران به‌شکلی بروز کند، خنثی گردد و کنترل بر ایران حفظ شود. در پاسخ به این گزارش، کمیسیون، وزیر خارجه وقت آمریکا، طی سخنرانی مفصلی که در ۱۹ برگ تهیه دیده بود و در کمیسیون خارجی سنای آمریکا قرائت کرد، اطمینان داد که ایران کاملاً زیر کنترل است، دولت آمریکا کاملاً بر اوضاع ایران تسلط است، تمام پیش‌بینی‌های لازم بعمل خواهد آمد و جای هیچگونه نگرانی نیست.

آنگاه که «بحران» در ایران در گرفت و امواج انقلاب توده‌های خلق بحرکت درآید، طرح‌های گوناگون از قبل تهیه شده، برای رفع «بحران» و جلوگیری از پیروزی انقلاب و حفظ کنترل آمریکا بر کشور ما، یکی پس از دیگری به اجرا گذارده شدند، از جمله تشکیل گروه چاققاران، برکناری هویدا و سپس آموزگار، و گماردن شریف‌امامی بجای آنها، بانقلاب دمکرات منشور، تبدیل‌شاه جلاد به شاه زاهدشده‌ای، که اشک‌ریزان «صدای انقلاب مردم» را شنیده است، تغییر چهره مجدد بوسیله حکومت نظامی ازهار، بیرون بردن شاه و تشکیل کابینه بختیار با وهدام برای موسیبال - دموکراسی» در ایران!

ولی همان نقشه‌های شیطانی با برخورد به اراده انقلاب توده‌های میلیونی و با برخورد به قاطعیت رهبر انقلاب، امام خمینی خنثی شد. انقلاب شکوهمند ایران مستعده و غارت شده، بیروز گردید، زنجیر اسارت گسست.

آیا رئیس‌جمهور (کارتر) پذیرفته است که ایالات متحده آمریکا با خشمگین کردن مبارزان ایرانی ممکن است جان گروگانها را بیخطر اندازد؟ گفت:

«منافع ملی ایالات متحده باید مقدم بر جان گروگانها باشد! ما در مقاله‌ای زیر عنوان «آمریکا و گروگانها» ایران را میخواند (نامه «مردم» ۲۸ فروردین ۱۳۵۹) با استناد به اعتراف معاون وزارت خارجه آمریکا مجدداً تاکید کردیم که هدف دولت آمریکا بازپس گرفتن ایران و «گروگانها» است. دولت آمریکا - بتواند دستگاه اجرایی اراده انحصارات امپریالیستی-حاضر است نه ۵۰، نه ۵۰۰۰، نه ۵۰۰۰۰، صدها هزار آمریکایی را قربانی کند تا منافع ملی آمریکا، یعنی غارت خلق را مسود انحصارات امپریالیستی تعیین کند.

اینکه، با تهاجم نافرمان آمریکا به ایران، که با زبان «آزادی گروگانها» صورت گرفت، ولی در واقع طرح گسترده‌ای برای درهم شکستن انقلاب ایران و تصرف قدرت حاکم توسط ضد انقلاب بود، باردیگر و این بار بمرورده و بی‌غتاب چهره ددمنش دشمن اصلی انقلاب ایران عیان گردید.

«سیاست آمریکا» بگفته آقای بنی‌سدر «آزادی گروگانها» ها نیست. سیاست آمریکا انهدام انقلاب ایران است. این سیاست «در جهت اعاده وضع سابق سیر می‌کند و در ارتباط با حوادث داخل کشور، که دست آمریکا در ایجاد آنها در کار است، در ارتباط با ایجاد نفوذ و درگیریها، ایجاد اغتشاش، ایجاد کانونهای جنگ، حمله به دفاتر احزاب و گروههای سیاسی، به خود مشغول گردید، فلج کردن اقتصاد و قدرت تولیدی کشور و... عمل می‌کند. کدام است آن سلاح برنده‌ای که ما میتوانیم بدست گیریم و توسط آن بردشمن غدار و خدعه‌گر غلبه کنیم، انقلاب را نجات دهیم، ایرانی مستقل، آزاد و آباد، بسود مستمندان بسازیم؟

این همان سلاحی است که با آن، رژیم طاغوت با قدرت عظیم نظامی - ساواکیش را سرنگون کردیم، و این سلاح، اتحاد است، وحدت عمل است، جبهه متحد خلق است. این یگانه سلاحی است که پیروزی نهایی انقلاب را تا بین و تضمین میکند. و چون این یگانه سلاح پیروزی بخش انقلابی است، پس هر کس، بهر بهانه و دلیلی، بخواهد این سلاح را از دست انقلاب بگیرد، بنحوی از انحلال یا نفوذ و تفرقه و درگیری در بین نیروهای راستین انقلابی گردد، بی‌نظمی و اغتشاش بوجود آورد، ضد انقلابی است، خواسته یا ناخواسته ضد انقلابی است.

انقلابی در شرایط کنونی فقط کسی است که، قطع نظر از تفاوت عقیدتی و مسلکی و تعلق گروهی، در جهت احیاء و تقویت وحدت عمل انقلابی، در جهت یکپارچگی انقلابی خلق بکوشد. پس همه باید بدانیم که هدف انقلابی چنانیکار انهدام انقلاب ایران است و نیز همه باید بدانیم که این دشمن آشفتن-ناپذیر انقلاب ایران را فقط با سلاح اتحاد میتوانیم از پای در آوریم. پس همه با هم در جبهه اصلی نبرد، در جبهه نبرد با امپریالیسم آمریکا، در جبهه نبرد برک و زندگی با «شیطان بزرگ»، در جبهه نبرد حیاتی و معنای علیه «ام‌الفساد قرن» به پیش!

پس از پیروزی انقلاب، معلوم بود که آمریکا به تلاش خواهد افتاد که «بهشت گم شده» خود را بازپس گیرد. این قانون هر انقلابی است که پس از پیروزی، ضد انقلاب باده چندان نیز برای باز پس گرفتن قدرت حاکم به تلاش افتد این قانون هر انقلابی است که پس از پیروزی، اگر انقلاب به پیشروی کوبنده خود ادامه ندهد، متوقف می‌شود و توقف، یعنی رجعت، یعنی میدان دادن به ضد انقلاب، یعنی فرسایش انقلاب، یعنی خطر شکست.

مناسفانه پس از پیروزی انقلاب، طرفداران «مشرولیت بی‌شاه»، طرفداران «حفظ وابستگی بدلیل وجود وابستگی» اکثریت گریسهای دولت موقت را در اختیار گرفتند و انقلاب را ترمز کردند. دستگاه دولتی تقریباً دست‌نخورده باقی ماند، تصفیه ضرورت انجام نگرفت. اقدامی جدی برای نوسازی ارتش و نیروهای انتظامی بعمل نیامد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی دشمن انقلاب در دو جبهه سرمایه‌داری - بزرگ و وابسته و زمین‌داری بزرگ، تخریب نشد. سیاست سازش-کارانه با امپریالیسم غدار و خدعه‌گر آمریکا بمدت ۸ ماه اجرا شد. این باعث امیدواری دولت آمریکا به «نفوذ دیرسیر تحولات ایران» برای درهم شکستن انقلاب ایران شد. سند محرمانه‌ای که از کاخ سفید به وزیر خارجه آمریکا و با منشاء برزیلینسکی-مشاور امنیت کارتر در ششم اوت ۱۹۷۹ (۱۵ مرداد ۱۳۵۸)، یعنی درست ۳ ماه قبل از «گروگانگیری» صادر شده است، به وضوح نشان میدهد که آمریکا با کوشش هم‌آهنگ تمام دستگاه دولتی - وزارت خارجه، وزارت دفاع، سازمان مرکزی جاسوسی (سیا) و سایر ادارات و موسسات هر کجا که لازم باشد، میکوشد ایران را در صحنه بین‌المللی منفرد کند، روابط ایران را «خصوصاً» با اتحاد شوروی، تیره سازد، در داخل کشور بهمه طرق ممکن تفرقه و نفاق و درگیریهای نژادی، قومی، مذهبی، سیاسی بوجود آورد و بویژه از راه نفوذ در «گروههای افراطی» که قادرند مقاومت های مسلحانه علیه رژیم خنثی را تحریک کنند، چنان اغتشاشی در ایران برآوردند، که بر مبنای آن بتواند به هدف خود، یعنی درهم شکستن انقلاب ایران و تصرف مجدد قدرت حاکم دست یابد.

این دستورالعمل سری - موکداً باید توجه داد که ۳ ماه قبل از «گروگانگیری» از طرف رئیس‌جمهور آمریکا صادر شده است. ما از همان فردای عمل صرف جاسوسخانه آمریکا، که در برابر توطئه آمریکا به پذیرش شاه مخلوع از طرف دانشجویان مسلمان بیرو خط امام انجام گرفت و بدین‌آلان دستگاه تبلیغاتی آمریکا، با اشاره دولت این کشور، کلید رفع «بحران ایران» و آمریکا را آزادی «گروگانها» قلمداد کرد، گفتیم و تکرار کردیم که هدف آمریکا آزادی گروگانها نیست؛ هدف «شیطان بزرگ» درهم شکستن انقلاب ایران و بازپس گرفتن ایران است. تا سرانجام در اواخر فروردین ماه، وادن کریستوفر، معاون وزارت خارجه آمریکا، زبان گشود و در یک مصاحبه مطبوعاتی، در پاسخ باین سؤال که:

«ما از همان فردای عمل صرف جاسوسخانه آمریکا، که در برابر توطئه آمریکا به پذیرش شاه مخلوع از طرف دانشجویان مسلمان بیرو خط امام انجام گرفت و بدین‌آلان دستگاه تبلیغاتی آمریکا، با اشاره دولت این کشور، کلید رفع «بحران ایران» و آمریکا را آزادی «گروگانها» قلمداد کرد، گفتیم و تکرار کردیم که هدف آمریکا آزادی گروگانها نیست؛ هدف «شیطان بزرگ» درهم شکستن انقلاب ایران و بازپس گرفتن ایران است. تا سرانجام در اواخر فروردین ماه، وادن کریستوفر، معاون وزارت خارجه آمریکا، زبان گشود و در یک مصاحبه مطبوعاتی، در پاسخ باین سؤال که:

حمله کنندگان به دفاتر و مراکز...

بقیه از صفحه ۱

حمله به دفتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی.

هرگاه امپریالیسم آمریکا نقشه جدیدی راهلیه انقلاب ایران دیدستور روز گذشته و هر زمان که موج خیزنظیم دیگری از اقبانوس توفانی خلق برخاسته، تا بیکر عقوفی امپریالیسم آمریکادفن کند، انواع حیل برای ایجاد اغتشاش در کشور بکار گرفته است. در این موارد، همواره چاققاران و وادهاشان ساواک دست در دست هم می‌نهند، پیشاپیش معدودی که نا آگاهانه به این دام می‌افتند، پسوی دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی در حرکت بوده‌اند. اکنون یک هفته است که موج جدیدی، ریشم و خشن تر از همیشه، از حملات به دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، بر بستر دریای آشفته وطن ما پیوسته خیزهای تازه بر می‌دارد. موجی که می‌کوشد کل های آداب انقلاب را زیر گامهای ساواکی خود کند.

هدف، علاوه بر پندام کردن انقلاب و رهبر آن، بر پاک کردن گرد و خاکی است که هجوم دشمن اصلی رامستور به‌دارد، لاشه هواپما و اجساد سوخته چنانیکارکنان آمریکا در کویر وطن بر این اوجا چون خورشید روشنی می‌بخشد. روشنایی این واقعت چنان خیره-کننده است که تنها کوردلان و خفاشان آن را نمی‌بینند.

نوع جدید حمله به دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی بعد از وقوع اخیر دانشگاهها، سراسر ایران را پوشانده است، هدف این موج، چون امواج قبلی، نیروهای انقلابی و مترقی و در راس آنها حزب توده ایران است. در اوج و قیام دانشگاهها، ضد انقلاب در اوج بدفتری و در کاشان به کتا پشروشی حزب توده ایران یورش برد و آنها را وحشیانه درهم کوبید و به آتش کشید. حزب توده ایران خلق را از توطئه ضد انقلاب آگاه کرد. خوشبختانه این بار مقامات مسئول به موقع مشدار مارا شنیدند، رئیس جمهوری در اعلامیه روز اول اردیبهشت خود چنین اعلام داشت:

«در خارج دانشگاه اقدام به هر گونه تجمع و حمله به مراکز سازمانهای سیاسی توطئه بر ضد دولت انقلاب و تشمیف جبهه داخلی ما در برابر آمریکای سلطه‌گر است، هر گونه اجتماع و ایجاد درگیری در دانشگاه و خارج از آن عملی ضد انقلابی تلقی میشود.»

وظیفه مبوم...

بقیه از صفحه ۱

با تسویل و ایجاد محیط آموزشی سالم، علیرغم توطئه آفرینیها و صحنه سازیهای امپریالیسم و تحریکات عناصر نا آگاه یا مشکوک، که آب را گل آلود میکنند و برای

باین ترتیب در هفته گذشته روزی نبود که ضد انقلاب به دفاتر حزب توده ایران حمله نکند.

در همین مدت دفاتر سازمانها و گروههای سیاسی دیگری مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه حمله سراسری ضد انقلاب، که مناسفانه همچا زیر نام «اسلام» انجام میگردد، دستورات ریاست جمهوری و احطار کمیته مرکزی انقلاب را در عمل خنثی کرد.

ما به شکستی است که نقادان و وادهاشان، حملات سراسری به دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی را برای ایجاد تشنج سازمان میدهند و با اینکه رئیس‌جمهور و کمیته مرکزی انقلاب این اعمال را توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران میدانند، هیچکس مانع این حملات نمیشود. برعکس، در اغلب موارد، مهاجمان، در حالیکه پاسداران و مأموران شهربانی و اعضای کمیته‌ها در محل حاضرند و به آرامی نظاره میکنند، هجوم خود را آغاز می‌کنند و به انجام میرسانند!

با توجه به دستورات مریح رئیس‌جمهور، که بهار دیگر در اطلاعیه ششم اردیبهشت بر آن تاکید شد:

«باید همه قانون اساسی را محترم بشمرند و به آزادی-های احزاب و گروهها احترام بگذارند» و از مردم خواسته شده است که مانع از حمله به مراکز گروهها بشوند، آنوقت این سؤال مطرح است: چه کسی به قانون اساسی احترام نمی‌گذارد؟ چه کسی به آزادیهای مصرح در قانون اساسی برای احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی-اجتماعی احترام نمی‌گذارد؟ چگونه می‌توان نظاره کردن مأموران نظامی را بر اعمال ضد قانون اساسی مهاجمان توجه کرد؟

انقلاب ایران جدا از رئیس‌جمهوری، شورای انقلاب و دیگر مقامات مسئول کشوری می‌تواند دستورات را از روی کاغذ به صحنه عمل منتقل کند. باید به نیروهای اجرایی دستور صریح مقابله با ضد انقلاب داد باید ضد انقلابیونی که به دفاتر مراکز احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی حمله میکنند، دستگیر و در دادگاه خلق محاکمه شوند

باید مقامات اجرایی این نظر ریاست جمهوری را، که در مصاحبه به‌دوازدهم جموم نظامی آمریکا بر آن تاکید داشت، «هیچ حمله‌ای به هیچ گروهی در هیچ شهری صورت نگیرد»، دقیقاً اجرا کنند.

در غیر اینصورت این سؤال مطرح میشود: آیا کوتاهی در اجرای دستور مبنی به احترام به قانون اساسی - خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا نا آگاهانه - یاری به امپریالیسم آمریکانیت؟!

کمیته مرکزی انقلاب اسلامی هم اطلاعیه زیر را منتشر ساخت:

«طبق گزارشهای رسیده به کمیته مرکزی عده‌ای قصد حمله به دفاتر احزاب و سازمانهای خارج از دانشگاهها و یکتا بخانه‌های وابسته به گروههای مختلف را دارند.»

باین ترتیب روشن شد که شخص رئیس‌جمهور و مقامات اجرایی کشور از توطئه ضد انقلاب و اثرات آن آگاه هستند. انتظار همگان این بود که برای خنثی کردن توطئه پلید ضد انقلاب، همانطور که کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران در اطلاعیه خود اخطار کرده بود:

«باین گونه افراد که ماهیت آنها مشخص است، شدیداً اخطار میکنند و اعلام میدارد باشند تمام از خرابکاریها جلوگیری خواهد نمود» عمل شود.

امام‌تاسفا نه دستور رئیس‌جمهور و کمیته مرکزی، که به بنیاد نظرات امام و شورای انقلاب صادر شده بود، روی کاغذ باقی ماند.

روز اول اردیبهشت، در کرمان به همین نشريات حزب توده ایران حمله کردند. در همین روز در کرمان و کومانشاه دفاتر حزب توده ایران با حمله ضد انقلاب درهم کوبید شد.

روز سوم اردیبهشت، در رودسر به دفاتر همه سازمانهای مترقی و از جمله به کتا پشروشی حزب توده ایران حمله شد.

روز سوم اردیبهشت ضد انقلاب نقادار دفتر حزب توده ایران را در رشت درهم کوبید.

روز سوم اردیبهشت برای با دودم (بار اول روز ۲۲ فروردین) به کویسک نشريات حزب توده ایران حمله شد و یک نفر از دقایما نیز با زداشت گردید.

روز چهارم اردیبهشت، ۱۰۰ نفر نقادار وارد دفتر حزب توده ایران در خیابان ششمین بوشهر شدند و پس از تریختن بزمین روی اوراق و اثاثیه و دیگر لوازم، دفتر را به آتش کشیدند.

(انقلاب اسلامی، ۱۶ اردیبهشت) روز پنجم اردیبهشت، ضد انقلاب به دفتر سازمان حزب در چالوس و نوشهر حمله کرد و طی یک ساعت دفتر را درهم کوبید.

روز ششم اردیبهشت، در تهران به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران حمله شد.

در بسیاری از شهرهای آذربایجان نیز به دفاتر و کتا پشروشی-های حزب توده ایران حمله شده است.

باید از جمهوری اسلامی ایران منداقمه‌کنند، در برابر دشمن اصلی انقلاب، امپریالیسم آمریکا، از آن دفاع کنند.

همه مردم، در هر جا و بهر وسیله و هر گاه لازم شود بوسیله مبارز مسلحانه - علیرغم همه عوامل نارضی کننده و نارضی تراش

عزم گذاشتن آگاهانه اقدامات آنها

خلفهای ایران با کوشش خستگی ناپذیر و جدی برای رسیدن به راه حل انقلابی رفع ستم ملی از طریق مسالمت آمیز وسنذا کره، علیرغم خسر نریزتها و تشمیف آفرینش‌ها، که زائیده تحریکات

واختنی کند و بی اتوسازد.

این کار آسانی نیست و اگر در عین این دفاع متحمل شریات و حملات شویم، بی شک دفاع کاری برآب دشوارتر خواهد بود. ولی کدام کار واقعاً انقلابی، آسان است؟ کار آسانی نیست، ولی وظیفه

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

از اطلاعات سیاسی - نظامی شماره ۲۲
مجاهدین خلق ایران:

دعوت همه احزاب، سازمانها و نیروهای مردمی به هم آهنگی و وحدت عمل ضد امپریالیستی

هماهنگی و وحدت عمل سیاسی و نظامی همه نیروهای خلق علیه امپریالیسم تجاوزگر آمریکا در چنین شرایط حساسی یک وظیفه مهم عقیدتی و تاریخی است. همین منظور سازمان مجاهدین خلق ایران کلیه نفعات نظامی و تبلیغاتی مردمی خود در سراسر کشور راه تبعیت از برادران پاسدار فراموشاوند بساین ترتیب بر حسب دستورسیاسی نظامی حاضر، به منظور وحدت عمل و وحدت فرماندهی نظامی بر علیه امپریالیسم آمریکا کلیه اعضاء و تیمهای نظامی و تبلیغاتی مجاهدین مولفند فرمان برادران پاسدار خود را در هر کجای کشور بر علیه جنایتکاران آمریکائی اطاعت کنند.

در جهان سوسیالیسم

سهام لهستان در تولید جهانی

مساحت جمهوری توده‌ای لهستان ۳۱۲۶۸۳ کیلومتر مربع است. ۶۱/۴ درصد مساحت کشور را زمین های زراعی تشکیل می دهند.

بموجب آخرین سرشماری همگانی لهستان ۳۵ میلیون نفر جمعیت دارد، که ۵۷ درصد آنها در شهرها زندگی میکنند.

در سالهای گذشته، لهستان نزدیک به ۲/۲ درصد تولید جهان و ۵ درصد تولید اروپا را بدست داشته است. در این کشور ۶ درصد سفر، ۱۹ درصد ذغال سنگ، ۱۵ درصد کشتی های ماهیگیری، ۸ درصد مس تصفیه شده، ۷ درصد کودهای فسفاتی و آزوت دارد، ۶ درصد اسید سولفوریک، ۶ درصد سیمان و ۵ درصد فولاد خام اروپا تولید می گردد.

سهام لهستان در تولید کشاورزی جهان ۲ و در اروپا ۶ درصد است. لهستان ۲۰ درصد سیب زمینی، ۷ درصد چغندر قند، ۷ درصد شیر و ۵ درصد گوشت و غلات اروپا را تولید میکند.

در جهان سرمایه

ظرف ۲۰ سال اخیر در جمهوری فدرال آلمان: مالیات ها ۴ برابر شده است

در جمهوری فدرال آلمان، سال گذشته مالیات های فدرال، استانها و شهر داریها بالغ بر ۳۴۳/۴ میلیارد مارک، یعنی ۶ برابر رقم مشابه در ۲۰ سال پیش بود از این مبلغ، ۹۷/۱۰ میلیارد مارک، یعنی ۲۸ درصد، را مالیات پردستمزدها تشکیل می داد، که ۱۶۴ برابر یکریه همانند در سال ۱۳۳۹ است.

بنظر می رسد که مبلغ گزاف هم که دولت آلمان غربی، بویژه از زحمات کارکنان، بتواند مالیات دریافت می کند، کفاف هزینه های تبلیغاتی آنرا نمیدهد و همین دلیل هم سال پیش به گرفتن اعتباری بمبلغ ۴۷ میلیارد مارک مبادرت ورزید.

سال	مالیات سالانه (میلیارد مارک)	سهم مالیات پردستمزده
۱۳۳۸	۵/۹	۱۳۳۸
۱۳۳۹	۱۶/۱	۱۳۴۳
۱۳۴۰	۲۷/۱	۱۳۴۸
۱۳۴۱	۷۲/۰	۱۳۵۳
۱۳۵۸	۹۷/۱	۱۳۵۸

اولین شماره
«دنیای»
در سال ۱۳۵۹
منتشر شد

رفقای حزبی!
هواداران و دوستداران حزب!
اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مسرم انقلابی است.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
داونده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۲۸
شماره تلکسی:
214081 TPI IR
چاپ، کلویان

MARDOM
No. 222
29 April 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

حزب توده ایران از نگاه امپریالیسم

ما از همه کسانی که از «چپ» و راست به حزب توده ایران افترا مینهندند و دشنام میدهند، میخواهیم که به سخنان زیرین توجه کافی کنند!

«برانگیختن مردم ایران در جهت تشدید تنش از ایالات متحده، فقط موجب تقویت حزب توده کمونیست میشود، که برای کنترل کشور باینروهای اسلامی و سایر نیروهای دست راستی مبارزه میکنند.»

«ایران میتواند دارای رژیم کمونیستی شود و حزب توده که سازمان یافته ترین گروه است، انتظار میکشد.» (منابع: بگین - مصاحبه با تلویزیون آمریکا)

«خمینی در آستانه شکست است. بعد از احزاب خائن توده قدرت را بدست میگیرد.» (شاپور بهختیار - ۱۹ اسفند ۱۳۵۸ - پاریس)

با اعلام طرح شش ماده ای مصوب شورای انقلاب، صف انقلاب را از ضدانقلاب در کردستان جدا کنید!

از انقلاب بزرگ و خلقیمان انتظار رفع این ستم و تأیید خودمختاری در چارچوب ایران آزاد و واحد و مستقل برای خلق کرد را از جانب جمهوری اسلامی ایران دارند.

۲- پیام تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب ایران، که گام اصلی و اصولی را در این راه برداشته و با موافقت اصولی رژیم جمهور با طرح ۶ ماده ای که روزنه امید جدیدی برای حل این مشکل گشوده است.

بنظر حزب توده ایران، در طرف اصلی این مشکل، خلق کرد ستم کشیده و رنج دیده کرد و مسئولان متعهد انقلاب، که عملاً و اصولاً در یک جبهه قرار دارند، میتوانند و باید هر چه زودتر بر زمینه انتشار طرح مصوب، این مشکل عظیم را که در لابلای فعالیت های زیبا بساز ضدانقلاب مدفون شده است، بسود تحکیم اتحاد و همبستگی دولت جمهوری اسلامی ایران و خلقهای ایران، بویژه خلق کرد، حل کنند.

اعلام آتش بس بهر امر اعلام طرح ۶ ماده ای صفوف انقلاب را از ضدانقلاب جدا میکند و به مردم کردستان امکان میدهد که نیروهای ضد انقلاب و عوامل دشمن را، که اینک با استفاده از محیط متشنج، بر تخریبات می افزایند و بنام خلق کرد و با سلاح حکومت ستم عراق مردم کردستان و سرهازان را بپناخ و خون می کشند، بجای خود بپشایند.

در این لحظات تاریخی و حساس از اشتباهاتی که انقلاب عظیم میهن ما را بخطر اندازد، قاطعانه بپرهیزیم و از انحراف و هرزروی نیرو های خلق در نبردهای نادر ای درونی - آهم دور شریایی که هر گونه مسامحه و غفلت تنها به امپریالیسم آمریکا یاری میرساند تا انقلاب ایران را با طوفانهای خطرناک خویش به نابودی بکشاند - محافظت کنیم.

با اعلام آتش بس فرصت و بهانه را از دست نیروهای ضد انقلاب در هر دو طرف سلب کنید و با اعلام طرح مصوب ۶ ماده ای صف حق و ناحق انقلاب و ضد انقلاب را از یکدیگر در کردستان متمایز سازید.

افتخار شرکت در این اتحاد و مبارزه بزرگ و خلقی علیه امپریالیسم آمریکا و ستم عراق و عمال آنان را از خلق کرد دریغ نکنید.

با اعلام آتش بس، امکان خوابکاری را از نیروهای ضدانقلاب سلب کنید!

جنگ برادر کشی در کردستان همچنان ادامه دارد. خیرهایی که از سنج، سقزو دیگر شهرهای کردستان می رسد، خشم و تاسف بحق هراسر انبسی میهن دوست را بر می انگیزد.

به جبهه جنگ بنگرید. و صفوف متخاصم را نظاره کنید؛ سلاحهایی که باید قلب دشمن، شیطان بزرگ آمریکارا نشانه رود، سینه دوست را می کشند و بسود دشمن اصلی مردم ایران، امپریالیسم جهان خوار آمریکای خون فرزند ان این آب و خاک را بر زمین میریزد.

امپریالیسم آمریکا و دستار ان آن، از دولت ضد خلقی ستم عراق گرفته تا نوکران سرسپرده آن در دو طرف جبهه، دبیوشتر های متفاوت، آتش می افزونند و این فرزندان سدید این آب و خاک و مردم رنج دیده ایران از کرد و فارس، شیعه و سنی، پاسدار و پیشمرگ و سرباز هستند که تاوان صحنه سازیهای ضد انقلاب را می بردارند.

حقیقت اینست که در کردستان حق و ناحق مخلوط گردیده و خط فاصل آنها از بین رفته است. ولی علیرغم همه آشفتگی ها و سردرگمی ها در کردستان، دو نقطه مشخص و روشن هنوز وجود دارد که چنانچه همه دست اندرکاران با حسن معنویت و تمهید نسبت به سر نوشت خلقها و از آنجمله خلق کرد و بطور کلی نسبت به انقلاب بر خورند، می توان هنوز به حل عادلانه مساله کردستان مبتنی بر رفیع معنوی و تأمین خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل امیدوار بود و اتحاد ضد امپریالیستی کلیه خلقهای ایران را در مبارزه سر نوشت سالها و حساسی که با امپریالیسم آمریکا درگیر شده است، تحکیم کرد؛ چنگ در کردستان آهم در زمانی که امپریالیسم آمریکا با تمام قوا در سدد تضمین و نا بود کردن دولت جمهوری اسلامی ایران است، عملاً بسود این امپریالیسم تمام میشود. این دو نقطه روشن عبارتند از:

۱- خواست عادلانه خلق کرد که ساالیان متمادتی برای رفیع ستم ملی مبارزه کرده و بحق

شوخی نیست...

وقتی طبقه کارگر دنبال رهبر میگردد

طبقه کارگر ایران در این روزها به بیمنت و مبارکی صاحب «رهبر» شده و از آشفتگی بیرون آمده. ماجرا از این قرار است که نزدیک به ۸ ماه پیش، ۱۱۱ از تریبچه های یوک ایران در کنفرانس وحدت اعلام «وحدت» کردند. اما این وحدت تریبچه ای خیلی زود نقش در آمد و هر کدام از این تریبچه ها اعلام کردند که فقط خودشان رهبر طبقه کارگر ایران هستند.

کارگران ایران، که بدون رهبری این تریبچه ها، آب هم نمی خوردند، به اتئاس از آنها می خواستند که رهبریشان کنند. اول از همه کارگران دست پدایان «مبارزین آزادی خلق ایران» شدند. اما هنوز رهنمود نگرفته بودند که اشعاب شد و بخشی از مبارزین آزادی خلق ایران، با نظر قبلی ها مخالفت کرد. مدیبال این مخالفت، بخشی از مبارزین فلان، با خود «مبارزین فلان...» هموایشان شد. طبقه کارگر برای اینکه بر رهبر نماند، بسرعت خود را به «مبارزین آزادی طبقه کارگر» رساند و شروع به اتئاس کرد که رهنمود بگیرد. «مبارزین...» هم شروع کردند به دادن رهنمود. اما ناگهان یکی از «مبارزین» اعلام کرد که این نظریات انحرافی است و بهتر است طبقه کارگر از «مبارزان راه طبقه کارگر» رهنمود بگیرد.

وقتی طبقه کارگر علت را پرسید، تریبچه پوک گفت که این دو گروه با هم فرقی ندارند. فقط این ها «مبارزین» هستند و آنها «مبارزان». و چون «مبارزان» خوش آهنگ تر است، به هر مونی طبقه کارگر لطف نمیزند.

طبقه کارگر که قانع شده بود، سراغ «مبارزان» رفت و در طول راه می باخوش می گفت: «مبارزان... مبارزان... مبارزان...» که بیکوقت «مبارزان» را با «مبارزین» اشتباه نکنند.

طبقه کارگر رفت و رفت و سرانجام به مقصد رسید. آنجا پیشیای «مبارزین»، بیخشید، «مبارزان» بپناخ افتاد و تقاضای رهنمود کرد. اما با کمال تعجب دید که «مبارزان» خشمگین شده اند و بویژه میگویند، بعد از کمی من بپیرم، «مبارزان» توضیح دادند که طبقه کارگر راه را اشتباهی رفته اند و بجای «مبارزان» به سراغ «مبارزین» رفته اند.

طبقه کارگر که همچنان گیج و گول بود، نماینده ای را به «مبارزانی» که اعضا میکردند بیکارگران» هستند، فرستاد و معلوم شد که باز هم طبقه کارگر اشتباه کرده است، چون نام این «دکان بیکارگران آزادی طبقه کارگر» است.

طبقه کارگر خسته و درمانده و ناراحت از بداشتن رهبر برای افتاد. اما هنوز دوقدم از پیاده دزد نشده بود، که چند رهبر طراز نوین از راه رسیدند، و در حالیکه لیخند میزدند، شروع کردند به دادن رهنمود. چه حرفهای نابیه که نمیزدند. همینطور رهنمود مثل باران از دهان تریبچه ها میریخت. اما عیب کار این بود که رهنمودها با هم فرق داشت و هر کدام از تریبچه های پوک هم میگفت: «اینست راه نجات شما ای طبقه کارگر ضعیف...»

انجا هم طبقه کارگر باقرس و لرز از رهبران طراز نوین، خواست خودشان را معرفی کنند. رهبران بدرخواست طبقه کارگر لیک گفتند:

اولی گفت: من «پیروم»، ای کارگران من...
دومی گفت: من از «گروه کارم آمدهام شما را...»
سومی گفت: من از «اتحاد انقلابی برای رهائی کار» رهبری شما دست ماست، که به «گروه زحمت معروف شده ایم»
وقتی رهبران سکوت کردند، طبقه کارگر ناگهان بجان هم افتادند. گروهی میگفت:

«رهبر طبقه کارگر فقط «مبارزین آزادی...»
گروهی میگفت: رهبر طبقه کارگر فقط «بخشی از مبارزین...»
گروه سوم با مشتبه ای گره کرده فریاد میزد: «مبارزان...»
گروه چهارم به راهبایی پرداخت که: «نه خیر، «مبارزان» خائن است، فقط «مبارزین» است که...»
کارگران بعد از ساعتی بحث، وقتی بیجای نرسیدند، رفتند که فکر کنند.

آوردند که هر چه «مبارزان»، «مبارزین»، «مبارزان» و... هستند، چون طبقه کارگر سرگرم دعوا بوده خیری از کارگران نشد. بهین خاطر تصمیم گرفتند - از آنجا که فرقی با هم ندارند - «وحدت» کنند. همین کار را هم کردند و بعد از ساعتی بحث و تبادل نظر راهشان را هم روشن کردند و در بیانیه خود نوشتند:

«... آنچه که برای جنبش کمونیستی و دمکراتیک ما حاری بزرگترین خطر است، آن خطی است که حزب توده تنها آشکارترین شکل آنرا نمایندگی میکند. همچنین بیروزی حزب توده تنها در رشد تفکیری این حزب نیست، بلکه در رشد آن خطی است که ایان نماینده اش هستند...»

سؤال روز:
فکر میکنید طبقه کارگر ایران از فکر کردن خود بچه نتیجه ای رسیده است؟

نتیجه ای رسیده است؟

دست در دست عمو سام آمده

سالانه در تاریخ نام انگلیسی هر مکر و ریا و لغت و لیس سالها در سایه مکر و فریب لرو تا ما را زدی تنها به جیب کار بی آرمیت آنجا کشید کز تو جان خلق ما برب رسید راند با تیا ترا، از ملک خویش خلق ما، در سی و اندی سال پیش بسد چندی باز خوشکام آمدی دست در دست عمو سام آمدی دزد اول کسود بسا دزد دوم سالها در کشور ما اشتم با گروهی دزد دیگر گشته چفت لغت ها را سالها پردید مفت بر ۳ بنگل هایبان با زارمان از شما آشفته کار و پارمان با عروسک های پستی همچو شاه از شما شد روزگار ما سیاه

رفته اکنون در حقیقت سالها کسرتو ریسزد پشما و یالها کماکاری آرزو گشت و سراب کاخ غارت شد پسر هاتان خراب انقلاب پسرشکوه خلقی ما خوشی بیم پیچید طومار شما

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

- بلژیک
51, Av. de Bro eville
1200 Bruxelles
- فرانس
Rigal Albert
BP 78160
75001 Paris
France
- انگلستان
P.O. BoX 141
London. E7 OPE
- سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

انفجار بمب در سینما نادر، یک گشته و ۹ مجروح برجای گذاشت

برای انفجار یک «بمب صدایی» در سالن سینما نادر تهران، ۱ نفر کشته و ۹ نفر زخمی شدند. این بمب که حدود ساعت ۱۱ روز ۱۸ آذر بهیشت منفجر شد، زیر سندی های این سینما کار گذاشته شده بود. در ساعت وقوع حادثه در این سینما حدود ۲۰۰ تماشاگر حضور داشتند. ولی به علت انفجار قسمتی از سینما، خوشبختانه بیشتر تماشاگران به سلامت از مسرکه جان بدر بردند.

شدت این انفجار به حدی بود که کلیه شیشه های سینما شکست و سقف قسمتی از آن فرو ریخت. گفته می شود در این انفجار به سینمای مذکور حدود ۱ میلیون

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود